



الزامات اجرایی پیش‌برنده توسعه کشاورزی چندکارکردی در ایران

مریم محمودی*

۱. استادیار، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران

* نویسنده مسئول: m.mahmoudi@areeo.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین الزامات و سازوکارهای اجرایی مورد نیاز به منظور توسعه اجرای رهیافت کشاورزی چندکارکردی در ایران است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش گروه متمرکز استفاده شد. بدین منظور، سه گروه متمرکز ۹۰ دقیقه‌ای با حضور ۲۴ شرکت‌کننده در مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی و بخش سیاست‌های حمایتی کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی تشکیل شد. نتایج این مطالعه نشان داد که چندکارکردی کردن فعالیت کشاورزی در ایران مستلزم ارزش‌گذاری کالاهای عمومی از طریق پاداش اثرات خارجی مثبت و اعمال مالیات بر اثرات خارجی منفی است. علاوه بر این، هرچند که تقاضا برای برخی از برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی در جامعه وجود دارد، اما تقویت بازار این برون‌دادها یکی از مهم‌ترین و شاید اولین پیش‌نیاز توسعه و تقویت ارائه برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی است که باید با مشارکت بخش خصوصی نسبت به ایجاد، توسعه و تنظیم بازارهای جدید برای برون‌دادها و خدمات غیرکالایی و عمومی اقدام کرد. همچنین، با توجه به شرایط مختلف و متنوع اقلیمی و کشاورزی در کشور، نیاز به طراحی قوانین منطقه‌ای و محلی با در نظر گرفتن تنوع فضایی برون‌دادهای مختلف غیرکالایی است. اجرای این اقدامات نیازمند همکاری گسترده‌تر بین سازمان‌های مختلف ذینفع در کل زنجیره تأمین و تولید برون‌دادهای کالایی و غیرکالایی کشاورزی می‌باشد. نتایج این مطالعه به وزارت جهاد کشاورزی کمک می‌کند که سازوکارهای قانونی و سیاستی جدیدی را برای ارتقای نظام‌های کشاورزی چندکارکردی و اجرای مؤثر آنها تدوین کند.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی چندکارکردی، الزامات اجرایی، سازوکارهای سیاستی، برون‌دادهای کالایی و غیرکالایی

مقدمه

و چشم‌انداز و فضاهای جدیدی برای گذران اوقات فراغت را دنبال می‌کند (Arovuori & Kola, 2005). در همین راستا، مهم‌ترین مفهوم نظری که اخیراً در زمینه خط سیر کشاورزی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطرح شده، این ایده است که کشاورزی مدرن از عرصه تولیدگرایی^۱ به فراتولیدگرایی^۲ حرکت کرده (Winter & Morris, 2004) و زمینه ایجاد چنین تغییراتی تغییر نگرش‌ها، پیشرفت تدریجی فناوری‌ها، نگرانی‌های محیط‌زیستی و تغییر بازار عرضه و تقاضای مصرف‌کنندگان بوده است (Burton & Wilson, 2006). مهم‌ترین ویژگی‌های دوره فراتولیدگرایی به شرح زیر می‌باشد:

کاهش در شدت عملیات زراعی از طریق گسترده‌گی کشت و فعالیت‌های مزرعه‌ای در مقابل فشردگی کشت در نظام تولیدگرایی، تنوع بخشی به اقتصاد روستایی، حرکت از "تولید" صرف محصولات کشاورزی به سمت "مصرف" (نه تنها مصرف غذا و الیاف بلکه مصرف خروجی‌های غیرکالایی ایجاد شده توسط کشاورزی، از جمله تنوع‌زیستی، مناظر و چشم‌انداز ایجاد شده توسط کشاورزی، حفظ محیط‌زیست، و سکونت‌گاه‌های حیوانات و حیات وحش) (Marsden & Son- nino, 2005; Potter & Tizley, 2005)، درگیری تولیدکنندگان در مرکز فرایند تصمیم‌گیری و کاهش نقش دولت در سیاست‌گذاری با یک مدل فراگیرتر که شامل عاملان و کنشگران مردمی نیز می‌شود. علاوه بر این، تکنیک‌های کشاورزی در دوره فراتولیدگرایی با حفاظت محیط‌زیست از طریق کاهش استفاده (و یا رهاسازی کلی) نهاده‌های خارجی سازگار و هماهنگ می‌باشد (Soubotina, 2004).

"کشاورزی چندکارکردی"^۳ در این گذار فرضی

بخش کشاورزی در دنیا همواره شاهد تغییرات ژرفی در فناوری تولید و خط‌مشی‌های سیاسی بوده (Pretty, 2005) و در برخی موارد وسعت این تحولات تا حدی بوده که در نهایت منجر به ایجاد انقلابی شده است (Renting *et al.*, 2009). یکی از این انقلاب‌های ایجاد شده، انقلاب صنعتی در بخش کشاورزی است که مهم‌ترین مشخصه آن تولید انبوه محصولات غذایی با ارزش افزوده نسبتاً پایین بود (Wilson, 2007). اگرچه میزان عملکرد و تولید محصول در نتیجه ایجاد چنین تحولاتی به میزان چشمگیری افزایش یافت، اما بروز اینگونه تغییرات در اغلب نظام‌های کشاورزی همراه با تغییرات فاحش ساختاری، از قبیل جایگزینی الگوهای زراعت معیشتی با تولید محصول برای صادرات در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کاهش سریع نیروی کار کشاورزی، افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها، از بین بردن نظام‌های کشاورزی سنتی پایدار، ناپایداری بسیاری از جوامع روستایی و افزایش روند تخریب محیط‌زیست بوده است (Wilson, 2007).

در نتیجه ایجاد این قبیل مسائل و مشکلات طی دهه‌های اخیر، مطالعات نظری بسیاری به بررسی این تغییرات هم در سطح کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است که طی دو دهه گذشته کشاورزی متعارف که هدفش تنها تولید غذا و الیاف با رهیافت رشدمحور بود، با پایان دوره حیات خود مواجه شده و الگوی کشاورزی جدیدی در حال ظهور است که اهداف وسیع‌تر و گسترده‌تری نسبت به تولید انبوه و صرف محصولات غذایی و الیاف از جمله؛ مدیریت پایدار منابع طبیعی، حفظ تنوع‌زیستی، حفظ انسجام اجتماعی، دوام و بقای مناطق روستایی، ایجاد منظر

1- Productivism

2- Post-Productivism

3- Multifunctional Agriculture

مزارع.

- **کش روستایی:** پایداری و بقاء جوامع و سکونتگاه‌های روستایی و فعالیت اقتصادی روستا (Bjørkhauga & Richards, 2008).

اگرچه ویژگی چندکارکردی بودن کشاورزی، موضوع جدیدی محسوب نمی‌شود و کشاورزی اساساً پدیده‌ای چندکارکردی می‌باشد، اما در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران توسعه روستایی را به خود جلب کرده و تاکنون تلاش‌های وسیعی برای نهادینه کردن آن هم در خط‌مشی‌های سیاسی و هم در عمل به ویژه در کشورهای اروپایی صورت گرفته است. به این ترتیب، طی دهه گذشته اصطلاح کشاورزی چندکارکردی در بحث‌های علمی و سیاست‌گذاری در مورد نقش کشاورزی در اقتصاد و همچنین در جامعه به‌عنوان یک کل وارد شد (Marsden & Son- nino, 2005)، به گونه‌ای که امروزه از آن به‌عنوان "پارادایم نوین توسعه پایدار روستایی" یاد شده است (Van Huylenbroek, 2003; Wilson, 2008) و در این جریان سیاست‌گذاران در اغلب کشورها تغییراتی در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کشاورزی با هدف توجه به مسائل محیط‌زیستی، پایداری منابع طبیعی و ایجاد تنوع در منابع درآمدی روستاییان ایجاد کردند (Walford, 2003). اما، با توجه به اهمیت سیاست‌ها در اجرایی نمودن مفهوم چندکارکردی در بخش کشاورزی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسب حمایت‌کننده توسعه کشاورزی نیز باید دستخوش فرایندی از بازسازی‌ها و تغییر جهت‌گیری‌ها شوند. بدین منظور می‌بایست سیاست‌ها و برنامه‌هایی تدوین و طراحی شود که به پیشبرد چندکارکردی بودن کشاورزی کمک کند. از آنجا که موضوع چندکارکردی

از تولیدگرایی به فراتولیدگرایی قرار می‌گیرد. در جریان این گذار، کمیسیون کشاورزی اتحادیه اروپا به بررسی کم‌رنج شدن نقش کشاورزی متعارف در اقتصاد روستایی پرداخته (Gorman *et al.*, 2001; Losch, 2004) و تأکید می‌کند که خط‌مشی توسعه پایدار روستایی باید چندکارکردی بوده و شامل مواردی از قبیل: تعدیل در تولید محصولات کشاورزی، متنوع‌سازی اقتصادی، تقویت سرمایه اجتماعی، تضمین دوام و بقای جوامع روستایی، مدیریت پایدار منابع طبیعی، ارتقای کارکردهای محیط‌زیستی، محلی کردن مجدد زنجیره غذا، ارتقاء فرهنگ گردشگری و ایجاد منظر و چشم‌انداز باشد. همچنین، به لزوم اعطای کمک هزینه‌ها و کمک‌های نقدی دولت به کسب‌وکارهای کشاورزی اشاره می‌کند (OCED, 2001).

طرفداران کشاورزی چندکارکردی معتقدند کشاورزی فعالیتی اقتصادی است که چندین برون‌داد یا اثر متقابل و وابسته دارد (Vandermeulen *et al.*, 2006). هسته مرکزی مفهوم چندکارکردی تولید چندین برون‌داد مرتبط کشاورزی به‌طور هم‌زمان است که به آنها برون‌دادهای کالایی و غیرکالایی^۱ گفته می‌شود. به دیگر بیان، به کارگیری زمین کمتر با کارکردها و درآمد بیشتر (Van Huylenbroek, 2003). عمده‌ترین و کلیدی‌ترین این برون‌دادهای غیرکالایی (NCO) عبارتند از:

- ابعاد مربوط به غذا و امنیت غذایی: سلامت غذایی، و کیفیت غذایی.
- بعد محیط‌زیستی: حفظ تنوع‌زیستی، مطلوبیت منظر و چشم‌انداز، توسعه گردشگری مزرعه‌ای، مدیریت پایدار منابع طبیعی.
- بعد اجتماعی: حفظ سرمایه اجتماعی، میراث فرهنگی، رسوم و سنت‌های بومی، کارکرد آموزشی

نمودن فعالیت کشاورزی در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است، هدف اصلی این مطالعه، شناسایی مهم‌ترین و مناسب‌ترین الزامات و سازوکارهای قانونی حمایت‌کننده کشاورزی چندکارکردی در ایران می‌باشد.

مواد و روش‌ها

هدف اصلی این پژوهش بررسی و شناسایی مهم‌ترین الزامات قانونی و سازوکارهای حمایتی است که می‌تواند پیش‌برنده توسعه رهیافت کشاورزی چندکارکردی در ایران باشد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم برای پاسخ به این سوال و تدوین مناسب‌ترین الزامات و سازوکارهای قانونی به منظور پیشبرد کشاورزی چندکارکردی از روش گروه متمرکز استفاده شده است. به این دلیل که این روش رهیافت مناسبی جهت اخذ اطلاعات به‌طور مستقیم از پاسخگویان بر اساس یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سوالات باز می‌باشد که توسط محقق به منظور بررسی موضوعی که در جریان یک پیمایش به‌خوبی آشکار نمی‌شوند، طراحی می‌شود (Krueger & Casey, 2000).

جامعه آماری این بخش از پژوهش، کلیه کارشناسان و مدیران بخش سیاست‌های حمایتی کشاورزی شاغل در دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت کشاورزی (معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی) وزارت جهاد کشاورزی، و مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (N=۴۷) بوده است. به منظور انتخاب نمونه آماری در این بخش از روش نمونه‌گیری شبکه‌ای یا گلوله برفی^۱ استفاده شد، به این دلیل که افرادی انتخاب شوند که در زمینه کشاورزی چندکارکردی دارای دانش و اطلاعات بوده و توانایی ارائه اطلاعات

در ارتباط با مناسب‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌ها را برای حمایت از کالاهای غیربازاری کشاورزی و ارائه سطح مناسبی از برون‌دادهای غیرکالایی داشته باشند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، سه جلسه گروه متمرکز ۹۰ دقیقه‌ای در مجموع با حضور ۲۴ شرکت‌کننده تشکیل شد. دو گروه در مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی با تعداد شش و هشت شرکت‌کننده و یک گروه در وزارت جهاد کشاورزی با ۱۰ شرکت‌کننده برگزار شد. سوالات یک هفته قبل از مصاحبه با هدف سازماندهی دانش، اطلاعات، دیدگاه‌ها و عقاید کارشناسان در اختیار شرکت‌کنندگان در بحث قرار گرفت. جلسات توسط محقق (در نقش تسهیلگر) و یک همکار راهبری شد. در پایان هر بحث، تسهیلگر اطلاعات جمع‌آوری شده را با خلاصه کردن بحث‌هایی که طی جلسات ارائه شده بود، جمع‌بندی می‌کرد و از کارشناسان درخواست می‌شد اگر نکته‌ای نادیده گرفته شده و یا به اشتباه بیان و تعبیر شده است، تصحیح شود. کلیه بحث‌های گروه‌های متمرکز ضبط و بلافاصله پس از اتمام جلسات به صورت مکتوب نوشته و همراه با یادداشت‌های تکمیلی محقق طی جلسات، تکمیل می‌شد. سوالاتی که در این بحث‌های گروهی مطرح شد عبارت بودند از:

- کشاورزی چندکارکردی در ایران چگونه تعریف می‌شود؟

- چه الزامات قانونی و سازوکارهای حمایتی باید در طراحی و تدوین سیاست‌های آتی در بخش کشاورزی در نظر گرفته شود تا برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی مورد حمایت قرار گیرند؟

پس از پیاده کردن متون مربوط به بحث‌های گروه متمرکز در این بخش به منظور تحلیل بحث‌های مطرح

1- Network or Snowball Sampling

شده در نتیجه تلفیق کدهای مشابه در زیر ارائه شده است (جدول ۲).

نتایج

تعریف کشاورزی چندکارکردی

در بحث‌های مطرح شده در گروه‌های متمرکز تشکیل شده، ایده و مفهوم کشاورزی چندکارکردی بین کارشناسان بسیار بحث‌برانگیز بود. در این بحث‌ها کشاورزی چندکارکردی در وسیع‌ترین مفهوم خود معرفی شد که در برگیرنده ابعاد محیط‌زیستی، حفظ تنوع زیستی درون و بیرون از زمین زراعی، حفظ منظر و چشم‌انداز زراعی، مشارکت کشاورزی در پایداری و بقاء اجتماعی-اقتصادی؛ همچنین اشتغال روستایی، کیفیت و ایمنی غذایی، در کنار حفظ و تأمین امنیت غذایی بود.

در نهایت، بر اساس بحث‌های ارائه شده در سه گروه متمرکز، کشاورزی چندکارکردی به این طریق تعریف شد:

"کشاورزی چندکارکردی مجموعه‌ای از محصولات و برون‌دادهای کالایی و غیرکالایی حاصل از فعالیت کشاورزی است که برخی از این برون‌دادهای غیرکالایی ویژگی کالاهای عمومی را داشته و در بازار بهایی برای آنها پرداخت نمی‌شود. این خروجی‌های غیرکالایی شامل: سهم فعالیت کشاورزی در پایداری جوامع روستایی (از طریق حفظ و نگهداری مزارع کوچک و خانوادگی، حفظ آداب و رسوم و میراث فرهنگی)، حفظ تنوع بیولوژیکی، توسعه گردشگری، حفظ منظر و فضای سبز، سلامت آب و خاک، تولید انرژی‌های زیستی، افزایش کیفیت غذا و سلامت غذایی و همچنین رفاه حیوانات می‌باشد."

شده در گروه‌های متمرکز از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در این روش ابتدا لازم بود کدگذاری صورت گیرد. مهم‌ترین هدف کدگذاری، طبقه‌بندی داده‌ها به طریقی است که به تحلیل و تفسیر بیشتر کمک کند. در این بخش از روش پیشنهادی Morgan (1997) استفاده شده است که در نظر گرفتن سه مورد را برای تحلیل و کدبندی اطلاعات پیشنهاد می‌دهد:

- توجه به اینکه کلیه بحث‌های ارائه شده در مصاحبه‌های گروه متمرکز کدبندی شده‌اند.
- توجه به اینکه آیا کدهای استخراج شده کلیه بحث‌های گروه متمرکز را در بر می‌گیرند.
- توجه به اینکه چه تعداد از پاسخگویان این کد را استفاده کرده‌اند (Collier & Scott, 2010).

در این بخش برای تحلیل محتوای بحث‌ها پس از بازبینی دقیق بحث‌های پیاده شده گروه‌های متمرکز، داده‌های خام درون کدهایی سازماندهی شدند. از این کدها به‌عنوان شاخصی به‌منظور سازماندهی بحث‌ها، تعیین فراوانی واژه‌های کلیدی یا عبارت‌ها و یا معانی آنها در جلسات گروه متمرکز؛ همچنین میزان توافق شرکت‌کنندگان بر روی این کدها استفاده شد. پس از آن اسناد جداگانه‌ای برای هر گروه متمرکز ایجاد شد که نظرات کارشناسان را در ارتباط با کدها دسته‌بندی کرد. در جدول (۱) کدها یا عبارت‌هایی که از مباحث هر سه گروه متمرکز استخراج شدند؛ همچنین میزان اجماع شرکت‌کنندگان در مورد کد مورد نظر ارائه شده است.

در مرحله بعد، کدهای استخراج شده با مضامین مشابه با یکدیگر گروه‌بندی شده و طبقات مفهومی تشکیل شد. در نتیجه گروه‌بندی کدها تحت موضوعات مشابه، پنج طبقه مفهومی تشکیل شد. جدول طبقه‌بندی تحلیل‌ها و طبقات مفهومی تشکیل

جدول ۱- کدبندی، فراوانی و میزان اجماع بین شرکت کنندگان در گروه‌های متمرکز

کدها*	گروه متمرکز ۱ (۶ نفر)		گروه متمرکز ۲ (۱۰ نفر)		گروه متمرکز ۳ (۸ نفر)	
	تکرار**	اجماع***	تکرار	اجماع	تکرار	اجماع
جدا کردن پرداخت‌ها	۳	متوسط	۱۰	بالا	۷	بالا
ارزش‌گذاری غیرکالایی‌ها	۴	بالا	۷	متوسط	۳	پایین
تقویت کارآفرینی	۶	بالا	۱۰	بالا	۶	بالا
سرمایه	۴	بالا	۸	بالا	۵	متوسط
تسهیلات اعتباری	۶	بالا	۱۰	بالا	۷	بالا
سیاست‌های حمایتی تولیدگرایانه	۶	بالا	۹	بالا	۴	متوسط
بیمه	۵	بالا	۱۰	بالا	۶	بالا
تقلیل کارمزد وام‌ها	۵	بالا	۶	متوسط	۷	بالا
افزایش مهلت بازپرداخت بدهی	۲	پایین	۷	متوسط	۳	پایین
توافقات سازمانی	۴	بالا	۱۰	بالا	۵	متوسط
تمرکززدایی	۵	بالا	۷	متوسط	۶	بالا
نهادهای محلی	۶	بالا	۹	بالا	۷	بالا
قراردادهای کشاورزی- محیط‌زیستی	۳	متوسط	۹	بالا	۳	پایین
صدور سند مالکیت	۲	پایین	۵	پایین	۳	پایین
ترویج کشاورزی	۳	متوسط	۱۰	بالا	۳	پایین
نهادینه کردن	۴	بالا	۸	بالا	۴	متوسط
پاداش	۶	بالا	۹	بالا	۶	بالا
معافیت مالیاتی	۴	بالا	۷	متوسط	۵	متوسط
کاهش تعرفه	۵	بالا	۹	بالا	۵	متوسط
تفویض اختیار	۴	بالا	۶	متوسط	۷	بالا
رهیافت پایین به بالا	۳	متوسط	۹	بالا	۶	بالا
دسترسی به بازار توسط گردشگران	۲	پایین	۸	بالا	۴	متوسط
مشارکت NGOها	۳	متوسط	۸	بالا	۵	متوسط
مشارکت بخش خصوصی	۶	بالا	۱۰	بالا	۷	بالا
مؤسسات تحقیقاتی	۳	متوسط	۶	متوسط	۵	پایین
تنظیم بازار NCOها	۴	بالا	۷	متوسط	۵	متوسط
تنظیم واردات	۴	بالا	۹	بالا	۷	بالا
ناهمگنی‌های منطقه‌ای	۳	متوسط	۶	متوسط	۷	بالا

ادامه جدول ۱

کدها*	گروه متمرکز ۱ (۶ نفر)		گروه متمرکز ۲ (۱۰ نفر)		گروه متمرکز ۳ (۸ نفر)	
	تکرار**	اجماع***	تکرار	اجماع	تکرار	اجماع
پرداخت مستقیم	۴	بالا	۹	بالا	۵	متوسط
سطح محلی	۵	بالا	۷	متوسط	۶	بالا
اشکال نوآورانه تر تولید	۶	بالا	۸	بالا	۶	بالا
صندوق حمایت از توسعه سرمایه گذاری	۲	پایین	۶	متوسط	۵	متوسط
تنوع فضایی NCOها	۵	بالا	۶	متوسط	۷	بالا
تقویت بازار	۳	متوسط	۶	متوسط	۶	بالا
تسهیل بازاریابی	۴	بالا	۶	متوسط	۵	متوسط
تورهای گردشگری	۵	بالا	۸	بالا	۶	بالا
افزایش انگیزه تولیدکنندگان	۴	بالا	۹	بالا	۵	متوسط

*کد: کلمه یا مجموعه‌ای از کلمات استفاده شده و سایر معانی مدنظر برای آن لغات

**تکرار: تعداد پاسخگویانی که در هر گروه متمرکز به این موضوع اشاره کرده‌اند.

***اجماع: میزان توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین اعضای گروه که در سه دسته به شرح زیر است:

اجماع بالا: اغلب (۷۵ درصد) شرکت‌کنندگان توافق داشتند یا مخالفتی وجود نداشت.

اجماع متوسط: برخی (۵۰ درصد) شرکت‌کنندگان توافق داشتند و برخی (۵۰ درصد) مخالف بودند.

اجماع پایین: اغلب (۷۵ درصد) با آن مخالف بودند و یا در این مورد آراء مختلفی وجود داشت.

جدول ۲- طبقات و کدهای تشکیل‌دهنده هر طبقه

ردیف	طبقه مفهومی	کدهای تشکیل‌دهنده طبقات مفهومی
۱	حمایت‌های پولی و مالی	سرمایه، تسهیلات اعتباری، جدا کردن پرداخت‌ها، ارزش گذاری غیر کالایی‌ها، بیمه، تقلیل کارمزد وام‌ها، افزایش مهلت بازپرداخت بدهی، نهادینه کردن، پاداش، معافیت مالیاتی، پرداخت مستقیم، سیاست‌های حمایتی تولیدگرایانه، صندوق توسعه سرمایه گذاری، قراردادهای کشاورزی- محیط‌زیستی.
۲	تمرکززدایی و اجرای رهیافت‌های پایین به بالا	تمرکززدایی، نهادهای محلی، تفویض اختیار، رهیافت پایین به بالا، ناهمگنی‌های منطقه‌ای، تنوع فضایی برون‌دادهای غیر کالایی.
۳	توافقات سازمانی و نهادی	توافقات سازمانی، مشارکت NGOها، تورهای گردشگری، مشارکت بخش خصوصی، مؤسسات تحقیقاتی، تقویت کارآفرینی، سطح محلی، ترویج کشاورزی، اشکال نوآورانه تر تولید.
۴	مباحث مربوط به واردات	تنظیم واردات، کاهش تعرفه
۵	ایجاد و توسعه بازارها	تقویت بازار، تنظیم بازار NCOها، تسهیل بازاریابی، دسترسی به بازار توسط گردشگران، صدور سند مالکیت، افزایش انگیزه تولیدکنندگان.

مهم‌ترین الزامات استخراج شده

در ادامه، به توضیح بحث‌های مطرح شده در گروه‌های متمرکز و طبقه‌بندی آنها درون طبقات مفهومی تشکیل شده پرداخته شده و سعی شده است برخی نقل قول‌های مستخرج از بحث‌های سه گروه متمرکز نیز ارائه شود.

۱. ایجاد و توسعه بازارها

شرکت‌کنندگان در هر سه گروه متمرکز در این مطالعه بر این تاکید کردند که؛ کشاورزی چندکارکردی به این معنی است که دو یا تعداد بیشتری برون‌داد کالایی و غیر کالایی مرتبط به یکدیگر و پیوسته می‌تواند از فعالیت کشاورزی حاصل شود، اما یکی از طرقی که توسط آن برون‌دادهای غیر کالایی می‌توانند ارزش اقتصادی و درآمدزایی داشته باشند، این است که این قبیل برون‌دادها در جهت برآورده کردن تقاضای جامعه مورد استفاده قرار گیرند. در حال حاضر هرچند که تقاضا برای برخی از برون‌دادهای غیر کالایی کشاورزی، مانند گردشگری کشاورزی در جامعه وجود دارد، اما کارشناسان بر این اعتقاد بودند که تقویت بازار می‌تواند یکی از مهم‌ترین و شاید اولین پیش‌نیاز توسعه و تقویت کشاورزی چندکارکردی و تقویت ارائه برون‌دادهای غیر کالایی کشاورزی باشد.

در این زمینه دولت باید علاوه بر حمایت از محصولات یا نظام‌های خاص زراعی برای کالاهای بازاری، سازوکارهایی جهت ایجاد، توسعه و تنظیم بازارهای جدید برای برون‌دادها و خدمات غیر کالایی که در نظام‌های زراعی چندکارکردی ارائه می‌شوند، طراحی کند. به‌عنوان مثال ایجاد و تقویت بازارهای گردشگری کشاورزی با مطلوبیت‌های مربوطه که توسط حفظ منظر و چشم‌انداز فراهم می‌شوند، توسعه تولید و فروش محصول سالم، راه‌اندازی رستوران‌های

مزرعه‌ای با ارائه غذاهای محلی، تأسیس و راه‌اندازی مدارس مزرعه‌ای، راه‌اندازی اقامتگاه‌های مزرعه‌ای و غیره. یکی از شرکت‌کنندگان در گروه متمرکز (۱) در این رابطه اظهار داشت:

"ارائه برون‌دادهای غیر کالایی حاصل از فعالیت تولید کالایی کشاورزی باید توسط دولت به رسمیت شناخته بشه تا تقاضا هم برای آنها وجود داشته باشه. به‌عنوان مثال باید مجوزی برای راه‌اندازی فعالیت گردشگری در مزرعه بهره‌بردار صادر بشه تا کشاورز بدون نگرانی به ارائه خدمات پردازش، نگران اماکن و اینجور موارد نباشه، گردشگر هم با خیال راحت از این خدمات استفاده کنه... از اون طرف هم، ایجاد چنین بازارهایی، به بهره‌برداران فرصتی میده که محصولات کشاورزی و یا به اصطلاح برون‌دادهای کالایی خودشون رو هم مؤثرتر مبادله کنن و به فروش برسونن."

اما یکی دیگر از مسائل و مشکلات موجود در مسیر توسعه بازار برون‌دادهای غیر کالایی کشاورزی، ساختار ناقص بازار و نبود نظام اطلاعات بازار برای کمک به بهبود تصمیم‌گیری کشاورزان و مصرف‌کنندگان است. شرکت‌کنندگان در این رابطه معتقد بودند که:

"در حال حاضر هیچ سازمانی (چه دولتی و چه غیردولتی) مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل اطلاعات بازار محصولات و خدمات کشاورزی را بر عهده ندارد" (گروه متمرکز ۱)، "... این عدم وجود اطلاعات بازار در زمینه خدمات غیر کالایی کشاورزی باعث عدم ارائه خدمات بر اساس نیاز و خواست مشتری و یا همان مصرف‌کنندگان و در نتیجه عدم بهره‌وری منابع مورد استفاده زراعی جهت متنوع کردن فعالیت کشاورزی و در نتیجه کاهش انگیزه تولیدکنندگان خواهد شد" (گروه متمرکز ۳).

رستوران‌های مزرعه‌ای، تولید و فروش محصول سالم و یا ارگانیک و خدماتی از این قبیل چندان نسبت به برخی کارکردهای غیرکالایی با مشکلات چندان مواجه نیست. اما، ارزش‌گذاری کارکردهایی که اهمیت آنها برای عموم مصرف‌کنندگان و کاربران نهایی در اولویت نیست، مانند حفظ تنوع‌زیستی گیاهی و جانوری در مزارع کشاورزی، حفظ سلامت آب و خاک و... با چالش‌های نسبتاً زیادی مواجه است.

به اعتقاد کارشناسان مورد مطالعه در این پژوهش، سیاست‌های حمایتی بر اساس تولید (یا سیاست‌های حمایتی تولیدگرایانه) نیز نمی‌تواند همواره ابزار مناسبی برای تقویت تولید مشترک و پیوسته برونادهای کالایی و غیرکالایی در ایران از قبیل منظر و چشم‌انداز و یا حفظ تنوع‌زیستی و یا سایر کارکردهایی که غالباً منطقه‌محور و یا حتی مکان‌محور هستند، در نظر گرفته شود. سیاست‌های حمایتی تولیدگرایانه ممکن است میزان ارائه برونادهای غیرکالایی را افزایش یا کاهش دهد، اما در اکثر موارد چنین است که ارتباط بین تولید برونادهای کالایی و غیرکالایی در کشاورزی در نهایت رقابتی می‌شود و این نوع سیاست‌ها می‌توانند تولیدگرایی و تولید انبوه را مورد تشویق قرار داده و در نهایت علاوه بر تغییر ترکیب نسبی برونادهای کالایی و غیرکالایی در منطقه، باعث ایجاد رقابت بین برونداد کالایی با برونداد غیرکالایی و جهت‌گیری به سوی تولید بیشتر برونداد کالایی مزرعه شوند. بنابراین، نهادینه کردن تولید این قبیل برونادهای غیرکالایی به رهیافت‌های ترغیب‌کننده و مشوق‌محوری نیاز دارد که به تأمین‌کنندگان و ارائه‌دهندگان برونادهای مثبت غیرکالایی پاداش داده و در مقابل در ازای تولید برونادهای منفی مانند آلوده کردن محیط‌زیست و منابع طبیعی مالیات دریافت

در حالیکه وجود اطلاعات در مورد تقاضا برای برونادهای غیرکالایی بخش کشاورزی به بهره‌بردار کمک می‌کند که مناسب‌ترین و مهم‌ترین بازار غیرکالایی‌ها را انتخاب کند و برنامه‌ریزی تولید را در جهت تقاضای بازار انجام دهد. وجود شبکه‌ای جهت جمع‌آوری و انتشار اطلاعات بازار به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شامل میزان و ویژگی عرضه خدمات و محصولات، مناسب‌ترین مکان‌های عرضه آن، میزان تقاضای انتظاری مصرف‌کننده، اطلاع از قیمت‌ها، احساس بازار، دیدگاه‌ها در مورد روند آینده تغییرات احتمالی و پیش‌بینی تقاضاها، مصرف و معادلات آینده و در نهایت اطلاعاتی که به نحوی بر جریان معاملات اثر می‌گذارد، در تصمیم‌گیری به دو طرف عرضه و تقاضا کمک می‌کند.

۲. ارائه حمایت‌های مالی

ارزش‌گذاری برونادهای غیرکالایی کشاورزی به‌ویژه برونادهای غیرکالایی که ویژگی کالاهای عمومی را دارا هستند، یکی از مهم‌ترین الزامات و سازوکارهایی است که به اعتقاد شرکت‌کنندگان باید در ایجاد و توسعه بازار برونادهای غیرکالایی کشاورزی در نظر گرفت. چرا که اگرچه برخی از خدمات غیرکالایی کشاورزی بر اساس قیمت‌های بازاری قابل ارزیابی بوده و قابل تبادل در بازار می‌باشند، اما اغلب کارکردهای غیرکالایی کشاورزی به‌ویژه کارکردهایی که به حفظ محیط‌زیست مربوط می‌شوند، به‌عنوان مثال کارکرد فعالیت کشاورزی در حفظ ذخایر ژنتیکی و حفظ تنوع‌زیستی گیاهی و جانوری، قابل تبادل و معامله در بازار نیستند. ارزش‌گذاری برخی از برونادهای غیرکالایی که برای مصرف‌کنندگان نهایی دارای ارزش بوده و از آنها استقبال می‌شود، مانند ارائه خدمات گردشگری کشاورزی در مزارع، ارائه غذاهای محلی در

کند. شرکت کنندگان در این رابطه معتقد بودند که: "... بعضی از برونادهای غیرکالایی در فعالیت تولید، برونادها یا کارکردهایی هستند که قیمت ندارند، بازار ندارند، مشتری ندارند، چه بسا که از نظر عموم حتی مسئولان اهمیت هم ندارند، در حالیکه خیلی هم ارزشمند. مثلاً همین کارکرد حفظ تنوع زیستی در مزارع تولیدی. در نظر بگیری که به کشاورز بخواد مثلاً بدون شخم مزرعه شو بکاره تا فلور جانوری حداقل آسیب کمتری ببینه. خب این کشاورز عملکرد کمتری می‌گیره، اما، آیا این کاهش عملکردش جبران می‌شه؟ کی باید جبران کنه؟ چطوری؟ همه اینارو دولت باید جبران کنه، با پاداش‌ها، یارانه‌ها و..." (گروه متمرکز ۲)، "... زمانی که مکانیسمی نباشه که به کشاورزان در برابر ارائه این خروجی‌ها یا به اصطلاح کالاهای عمومی پاداشی بده و هزینه‌های خارجی و اضافی اونهارو جوابگو باشه، کسری درآمد حاصل از تولید اونهارو جبران کنه، هیچ تضمینی نیست که سیاست‌های غیرمالی حمایت از این کالاهای عمومی کشاورزی هم تاثیر مطلوبی داشته باشه" (گروه متمرکز ۳)، "... مخصوصاً اینکه غالب بودن سیاست‌های حمایتی مالی از تولید انبوه و مترکم در ایران باعث کاهش تنوع زیستی و مدیریت در حقیقت ناپایدار منابع طبیعی و مسائلی از این قبیل در بسیاری از استان‌ها شده و این وضعیت، ارائه حمایت‌های مالی از برونادهای غیرکالایی کشاورزی را در برابر حمایت‌های تولیدی ایجاب می‌کنه" (گروه متمرکز ۳).

یکی از طرح‌ها و برنامه‌های مناسبی که توسط کارشناسان به منظور ارائه مشوق‌های مالی به کشاورزانی که تقویت این قبیل برونادهای غیرکالایی کشاورزی را دنبال می‌کنند، پیشنهاد شد، تدوین قراردادها و طرح‌های حمایتی کشاورزی-محیط‌زیستی بود که در

حال حاضر در اغلب کشورهای دنیا نیز در حال اجرا است. این برنامه‌ها با هدف سود رساندن دوجانبه هم به محیط‌زیست و هم به تولیدکننده، استفاده از سموم و کودهای شیمیایی و کشت فشرده را مورد حمایت و تشویق قرار نمی‌دهند، بلکه فعالیت‌های زراعی گسترده‌تری مثلاً تولید ارگانیک، حفاظت از منابع آبی، کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و یا به حداقل رساندن خطرات ناشی از کاربرد آفت‌کش‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند. این برنامه‌ها عمدتاً با هدف جبران هزینه‌های تولید و کاهش میزان تولید در مزارع به اجرا درمی‌آید که در آن اقداماتی با هدف کاهش بار مخرب کشاورزی بر محیط‌زیست انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، در انگلستان یکی از پیش‌قدم‌ترین طرح‌های کشاورزی-محیط‌زیستی طرح Tir Cymen به معنی "زمین پاکیزه" است. برخلاف سایر برنامه‌ها این برنامه بر اساس این اصل تدوین شده است که کالاها و خدمات محیط‌زیستی نیز دارای ارزش بازاری بوده و کشاورزان می‌توانند بر روی این برونادها سرمایه‌گذاری کنند، به جای این که تنها برای افزایش تولید به آنها پولی پرداخت شود. هدف این طرح هم منعکس کردن تغییر نقش کشاورزی در جامعه و هم تاکید بر عملی کردن کشاورزی چندکارکردی بوده است.

به اعتقاد برخی از شرکت کنندگان در این بحث‌ها، ارائه این گونه مشوق‌ها و تدوین و تنظیم توافقاتی در این خصوص، زمینه مبادله و تجارت برونادهای غیرکالایی کشاورزی را امکان‌پذیر کرده و به کاهش مشکل فقدان ارزش‌گذاری مبادلات برونادهای غیرکالایی نیز کمک می‌کند. در این رابطه یکی از شرکت کنندگان گروه متمرکز (۳) بیان کرد که: "... این عمل [عقد قراردادهای کشاورزی محیط‌زیستی] زمینه مبادله و تجارت این به

تقویت چندکارکردی نمودن کشاورزی بسیار مؤثر و ضروری خواهد بود.

دیگر سیاست‌های حمایتی مالی پیشنهاد شده در این زمینه عبارتند از: تسهیل ارتباط بین مؤسسات و سازمان‌های تأمین‌کننده اعتبار برای گسترش و راه‌اندازی کسب‌وکارهای غیرکالایی کشاورزی، پوشش بیمه کسب‌وکارهای غیرکالایی کشاورزی، ایجاد تسهیلات لازم برای تقلیل کارمزد وام‌های پرداختی در امور کشاورزی، افزایش مهلت بازپرداخت بدهی‌های آنها و مهم‌تر از همه رفع موانع دست و پاگیری اداری پیش‌روی تولید.

۳. تمرکززدایی

یکی از موضوعات کلیدی که در هر سه گروه متمرکز مطرح بود، این بود که در اجرای رهیافت کشاورزی چندکارکردی، باید تمرکز بیشتری بر تنوع فضایی برون‌دادهای مختلف غیرکالایی داشت و تمایزات مکانی، محلی، منطقه‌ای و ملی را نیز در نظر گرفت. به‌عنوان مثال، برخی مناطق برای بهبود و حفظ تنوع‌زیستی، توسعه خدمات گردشگری و یا ارائه سایر خدمات اکولوژیکی مناسب‌ترند. از این رو، به‌دلیل ماهیت و شرایط متفاوت کشاورزی متأثر از ویژگی‌های اقلیمی و اکولوژیکی مناطق، تقاضا برای انواع برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی نیز در مناطق مختلف متفاوت است. بنابراین باید در نظر گرفت که دامنه وسیعی از ناهمگنی‌های منطقه‌ای در بخش‌های مختلف کشور وجود دارد که تدوین و به‌کارگیری یک رهیافت مشابه را برای توسعه کشاورزی چندکارکردی در همه مناطق کشور نامناسب می‌سازد. از دیدگاه شرکت‌کنندگان در بحث‌ها، اگرچه توسعه و حمایت از ارائه برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی در مواردی از جمله بودجه‌بندی، به اقدامات و تصویباتی در سطح ملی نیاز دارد، اما

اصطلاح برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی رو هم امکان‌پذیر می‌کند. وقتی دولت برای این کار کشاورز بهش یارانه می‌ده و بودجه‌ای بهش تعلق می‌ده، کم‌کم برون‌داد دارای ارزش میشه و خود دولت برای درحقیقت فروش این کالای عمومی فکری می‌کند. ... حتی وقتی کشاورزی زمینش رو به حفظ تنوع‌زیستی اختصاص می‌ده، کم‌کم به فکر کسب درآمد از این طریق هم میفته، سعی می‌کند برای این کار خودش مشتری هم پیدا کنه"

موضوع دیگری که در دسته حمایت‌های مالی جای می‌گیرد، بحث معافیت‌های مالیاتی در زمینه ارائه برخی برون‌دادهای غیرکالایی چون توسعه گردشگری کشاورزی، راه‌اندازی رستوران‌های مزرعه‌ای، تأسیس اقامتگاه‌های مزرعه‌ای، و کارکردهایی از این قبیل است. تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی که از سوی دولت اجرا می‌شود، می‌تواند سازوکار مؤثری در تقویت کشاورزی چندکارکردی باشد. سیاست معافیت مالیاتی، بیشتر در راستای تشویق بخش عرضه اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد و دولت به‌منظور حمایت از بخش تولید و تشویق آن بخش عرضه اقتصاد را از پرداخت حقوق دولتی به‌ویژه مالیات برای مدت مشخصی معاف می‌کند و یا تخفیف‌های مالیاتی برای این بخش اعمال می‌کند. مطابق قانون بودجه کل کشور از آنجا که توسعه کشاورزی چندکارکردی مراحل اولیه خود را طی می‌کند، خدمات جدیدی تولید و ارائه می‌کند، باعث افزایش انگیزه تولید در راستای دستیابی به اهداف توسعه منطقه‌ای و افزایش انگیزه برای حضور بخش خصوصی در تولید کالاها و خدمات خاص می‌گردد و کلیه این موارد از جمله مهم‌ترین اهداف اعمال معافیت‌های مالیاتی به‌شمار می‌رود، اتخاذ چنین سیاستی به‌منظور

توسعه نوآوری نیز می‌شود و نتایج بهتری به لحاظ محلی، نسبت به زمانی که کشاورزان منتظر راه‌حل‌های دولتی باشند، حاصل خواهند شد. در مجموع طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی که در آن بر استفاده نظام‌مند از همکاری و دخالت دولت محلی و حتی بهره‌برداران در طراحی و اجرای سیاست‌ها تاکید نمایند، اقدام مهمی در پیشبرد توسعه کشاورزی چندکارکردی خواهد بود.

۴. توافقات سازمانی و نهادی

در هر سه گروه متمرکز، شرکت‌کنندگان تاکید کردند که پیکربندی مجدد منابع در امتداد توسعه چندکارکردی غالباً از سطح وزارت جهاد کشاورزی فراتر بوده و در نتیجه لزوم درگیری سطوح و سازمان‌های دیگری را نیز در این رابطه می‌طلبد. از این‌رو، اجرای این رهیافت نمی‌تواند بدون تغییر در ارتباطات و توافقات سازمانی و همچنین نهادی ایجاد شود. ارائه NCOها به مباحثی فراتر از توجه صرف به مسائل مربوط به سیاست‌های توسعه روستایی و کشاورزی نیاز داشته و این به دخالت، همکاری و مشارکت سایر سازمان‌ها و در نتیجه تنظیم سیاست‌های توافقات نهادی مرتبط با آنها نیز بستگی دارد. یکی از کارشناسان شرکت‌کننده در گروه متمرکز (۱) در این رابطه چنین گفت:

"کشاورزان در این فرایند گذار و برای تغییر به سوی تولید متنوع‌شده‌تر و یا حتی بازاریابی این خدمات و محصولات جدید به کمک سازمان‌های دیگری هم احتیاج دارن و زمانی از این تغییرات استقبال خواهند کرد که تغییرات و حمایت‌های سازمانی را با چنین فعالیت‌هایی موافق ببینن".

از این‌رو، تنظیمات مناسب سازمانی در این خصوص عامل بسیار مهمی به‌شمار می‌رود. برای این منظور باید کلیه کنشگران مختلف در کل زنجیره تأمین کالایی و غیر کالایی، ذینفعان و سازمان‌های تاثیرگذار

این سطح مناسب‌ترین سطح برای رسیدگی به کلیه ابعاد فعالیت‌های کشاورزی و تأمین و ارائه NCOها در یک تعامل چندجانبه نبوده و برای در نظر گرفتن چنین تنوعی در تدوین رهیافت جدید سیاسی، باید تفویض اختیار در امور غیرحاکمیتی و چگونگی اجرای سیاست‌های حمایت از این قبیل پرونده‌ها از سطوح بالاتر به سطوح محلی دولت نیز به‌عنوان اصلی اساسی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، کارشناسان پیشنهاد کردند که سطح مناسب دولتی که در آن تصمیمات سیاسی اتخاذ می‌شود باید تا جایی که امکان دارد با منطقه جغرافیایی تقاضا برای NCOها در ارتباط باشد. به عبارت دیگر، حداقل دولت‌های محلی نیز می‌بایست در تدوین این سیاست‌ها دخالت داشته باشند. این فرایند به مناطق اختیار بیشتری در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه چندکارکردی مطابق با نیازها و شرایط ویژه بخش زراعی خاص هر منطقه و تصمیم‌گیری نسبت به بهبود سیاست‌های کشاورزی چندکارکردی خواهد داد. در این رابطه برخی از شرکت‌کنندگان معتقد بودند که:

"استان‌ها و به‌خصوص شهرستان‌ها باید اختیار بیشتری در اجرای این سیاست‌ها داشته باشند" (گروه متمرکز ۲)، "یک رهیافت پایین به بالا که از سطح محلی شروع می‌شود می‌تونه ابزار مناسبی برای توسعه سیاست حمایت از کشاورزی چندکارکردی باشد" (گروه متمرکز ۳).

کلیه کارشناسان بر این توافق داشتند که در مواردی که باید راه‌حل‌های مختلفی در شرایط ناهمگن زراعی تدوین و طراحی شود، دولت‌های محلی باید از اختیارات بیشتری برخوردار باشند. اجرای چنین رهیافتی انعطاف‌پذیری بیشتر و آزادی عمل برای پیدا کردن راه‌حل‌های مقرون به صرفه و اقتصادی که با شرایط خاصی مرتبط هستند را فراهم می‌نماید. این‌گونه تنظیمات سازمانی باعث تقویت و

"اگر سیاست حمایتی مناسبی در زمینه مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی توسط دولت اتخاذ بشود، به‌طوری‌که انگیزه آنها را برای مشارکت در چنین فرایندهایی تقویت کند، درگیری ذینفعان و کنشگران خارج از دامنه دولت، مثل کشاورزان، صنایع خصوصی، سرمایه‌گذاران خصوصی، و NGOهایی که برای توسعه ارائه این NCOها مشتاق هستند را افزایش می‌دهد. علاوه بر این که، باعث بهبود راهکارهایی در زمینه توسعه و تقویت بروندهای غیرکالایی می‌شود، باعث تقویت پذیرش اجتماعی هم می‌شود، هم از طرف عرضه‌کنندگان و هم از طرف تقاضاکنندگان".

علاوه بر این، اکثر شرکت‌کنندگان معتقد بودند که کشاورزانی که چنین سیستم متنوع شده تولیدی را دنبال می‌کنند، در جستجوی طرق نوآورانه‌ای برای پیدا کردن و تسهیم اطلاعات فراتر از دانش و مهارت‌هایی که سیستم‌های دولتی ترویج و تحقیق به آنها در حال حاضر ارائه می‌دهند، هستند. این کشاورزان در تعقیب فرصت‌هایی هستند که بتوانند بازار جدید بروندهای غیرکالایی را در دست بگیرند. در این زمینه سازمان‌ها و نهادهای بسیاری از جمله دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، پارک‌های علم و فناوری، سازمان‌های مربوط به محیط‌زیست و بخش خصوصی می‌توانند به ارائه دانش و مهارت جدید و تقویت کارآفرینی در بخش کمک کنند. شرکت‌کنندگان در این گروه‌های متمرکز بر طراحی سازوکارها و برنامه‌هایی که به تقویت کارآفرینی و حمایت از اشکال نوآورانه‌تر تولید که فرصت‌هایی جهت ارائه اشکال جدید و خلاق در زمینه مدیریت عرضه و تقاضا را فراهم می‌کند، تاکید کردند. چرا که در توسعه برخی از این بروندهای غیرکالایی، کشاورزان و جامعه محلی نقش اصلی را بر عهده

بر توسعه کشاورزی چندکارکردی از جمله سازمان جهاد کشاورزی، گردشگری و میراث فرهنگی، شیلات، جنگلداری، ترویج و آموزش کشاورزی، محیط‌زیست و مؤسسات تحقیقاتی به‌منظور دستیابی به اهداف تسهیم شده برانگیخته شده و در اجرای آن مشارکت فعال داشته باشند.

موضوع دیگری که در این زمینه بسیار مورد تاکید قرار گرفت، تقویت مشارکت سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی در پیشبرد کشاورزی چندکارکردی بود. اعتقاد اکثر کارشناسان بر این بود که به‌ویژه با توجه به شرایط کنونی اقتصادی جامعه، مسائل مربوط به بروندهای غیرکالایی کشاورزی نمی‌توانند به تنهایی توسط نیروهای بازار و یا منحصراً از طریق دخالت دولت که بسیار هزینه‌بر بوده و چندان کارآمد نخواهد بود، حل شود. از این رو، یکی از راهکارهای مؤثر در زمینه تقویت فراتولیدگرایی در بخش کشاورزی، مشارکت بخش خصوصی در این حیطه است. در مورد ضرورت این امر در تقویت کارکرد فراتولیدگرایانه کشاورزی نیز یکی از شرکت‌کنندگان گروه متمرکز (۳) مطرح کرد که:

"به این دلیل که برنامه‌های دولتی عمدتاً برای توسعه و تقویت بروندهای کالایی کشاورزی طراحی و جهت‌گیری شده‌ان، مشارکت بخش خصوصی در تقویت کارکرد فراتولیدگرایانه کشاورزی الزامیست".

اما، حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی متأثر از عواملی نظیر ثبات سیاسی، چارچوب حقوقی مناسب، مقررات قانون کار، سیاست‌های ارزی و بازرگانی خارجی دولت، شرایط اعطای تسهیلات بانکی، فراهم بودن یا نبودن امکانات زیربنایی و نحوه قیمت‌گذاری کالاها و خدمات است. یکی از کارشناسان در گروه متمرکز (۲) این زمینه چنین نتیجه‌گیری کرد:

دارند. اما کارشناسان معتقد بودند که جامعه محلی تجربه، توانایی و تخصص لازم جهت بر عهده گرفتن این فرایندها را به طور کامل ندارد و آموزش به آنها یکی از مواردی است که باید قبل از فراگیر شدن چنین خدماتی به آنها عرضه شود. در غیر این صورت پایداری منابع و منطقه بیشتر به خطر خواهد افتاد. یکی از شرکت کنندگان در گروه متمرکز (۱) معتقد بود که:

"در این رابطه لازمه که اولاً ترویج بخش دولتی از کارکرد سنتی خودش خارج بشه. انتشار فناوری و ارائه اطلاعات قدیمی به کشاورزان دیگه کارا نیست. ترویج دولتی باید کارآفرینی را به روستائیان یاد بده، باید طریقه نوآوری و ایجاد ارزش افزوده را به بخش آموزش بدهد، باید همین کالاهای عمومی یا به اصطلاح شما برونادهای غیرکالایی را به روستائیان بفهمونه، باید تنوع بخشی را به اونها آموزش بده. کارکرد و وظیفه ترویج باید عوض بشه... دوم هم اینکه باید از بخش خصوصی مثل تورهای گردشگری، آژانسهای مسافرتی، و NGOها هم کمک بگیره".

بنابراین، حمایت از مؤسسات و مراکز تحقیقاتی به منظور مدل سازی راههای نوآورانه برای تسهیل مبادلات برونادهای غیرکالایی، توسعه و ظهور فناوریها و تکنیکهای جدید و نوآورانه ای که باعث افزایش تنوع بخشی به فرایند تولید و خدمات فعالیت کشاورزی می شود، از جمله سازوکارهایی است که باید به منظور توسعه کشاورزی چندکارکردی در نظر گرفته شود.

توصیه های کاربردی

✓ توسعه کشاورزی چندکارکردی در ایران به الزامات و پیش نیازهایی فراتر از سیاست های

تولیدگرایانه کشاورزی و مبتنی بر تولید صرف محصول نیاز دارد. اما با توجه به غالب بودن اندیشه ها و افکار تولیدگرایانه حاکم بر سیاست ها و الگوهای توسعه کشاورزی و روستایی در ایران، ضرورت ایجاد تغییرات و جهت گیری هایی در سیاست های توسعه این بخش احساس می شود. این تغییرات باید به گونه ای باشد که چندکارکردی بودن فعالیت کشاورزی را به رسمیت بشناسد و زمینه مناسب برای گذار به سوی چندکارکردی و فراتولیدگرایی در سیاست های حمایت کننده توسعه روستایی و کشاورزی را فراهم کند. نتایج این مطالعه نشان داد که به منظور حمایت از اجرای کشاورزی چندکارکردی ترکیبی از سازوکارهای مالی و غیرمالی باید وجود داشته باشد تا تولیدکنندگان را نسبت به ارائه برونادهای غیرکالایی مثبت حاصل از کشاورزی مانند راه اندازی مزارع گردشگری کشاورزی، تأسیس رستوران های مزرعه ای-محلی، راه اندازی مدارس مزرعه ای، تولید و ارائه محصولات سالم و ارگانیک و... ترغیب کند. به عنوان مثال، ارائه پاداش به ویژه پاداش های مالی به عنوان مناسب ترین سازوکار حمایتی جهت ترغیب ارائه برونادهای غیرکالایی پایدار و سازگار با محیط زیست؛ همچنین پرداخت مالیات در ازای تولید برونادهای غیرکالایی منفی مانند تخریب و آلوده کردن آب و خاک در اثر مصرف بیش از حد کودها و سموم شیمیایی و از بین بردن تنوع زیستی گیاهی و جانوری به دلیل تولید انبوه و تک کارکردی کشاورزی، یکی از مناسب ترین راهکارها است. در ارائه برخی از این برونادها مانند تولید محصول سالم و ارگانیک، ممکن است میزان تولید محصول کاهش پیدا کند، اما مزایای حاصل از آن مانند ارتقاء سلامت مصرف کنندگان و حفظ سلامت آب و خاک و سایر نهادهای تولید را در بر خواهد داشت. بنابراین، ارائه مشوق های مالی توسط دولت به منظور جبران کاهش

لحاظ جغرافیایی و فضایی تنها در مکان‌های مشخصی تولید می‌شوند و یا ارائه این قبیل برون‌دادها در مناطق خاصی بازدهی مناسب‌تری دارند. از این‌رو، سطح منطقه‌ای و محلی بهتر می‌تواند سازوکارهای حمایتی ارائه چنین برون‌دادهایی را تشخیص دهد. بنابراین با تخصیص بودجه؛ همچنین، تفویض اختیار در تدوین و اجرای برنامه‌های پیش‌برنده تولید برون‌دادهای غیر کالایی به استان‌هایی که پتانسیل اجرای کشاورزی چندکارکردی در آنها بالا می‌باشد، می‌توان رهیافت جدید توسعه پایدار روستایی را در این مناطق اجرایی کرد. علاوه بر این، توسعه کشاورزی چندکارکردی مستلزم همکاری و مشارکت بیشتر بین گروه‌های مختلف ذینفعان درگیر در زنجیره تولید و تأمین برون‌دادهای کالایی و غیرکالایی کشاورزی از جمله تولیدکنندگان، نهادهای محلی، سازمان‌های دولتی (مانند وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت نیرو)، تأمین‌کنندگان نهاده‌ها و خدمات مانند آژانس‌های مسافرتی و تورهای گردشگری برای تشخیص فرصت‌ها و دنبال کردن این فرصت‌ها برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید در حمایت از کشاورزی چندکارکردی می‌باشد.

در میزان عملکرد و تولید محصول حداقل در سال‌های اولیه اجرای این برنامه‌ها الزامی است.

✓ اجرای طرح‌ها و قراردادهای کشاورزی- محیط‌زیستی نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از سازوکارهای مناسب جهت تقویت برون‌دادهای غیرکالایی کشاورزی در نظر گرفته شود. البته با توجه به اهمیت امنیت غذایی در کشور، کاهش اهمیت بخش کشاورزی طی سال‌های اخیر و مواجهه دولت با بحران اقتصادی، اولویت اجرای چنین طرح‌هایی با مناطق و یا مزارعی است که به لحاظ منابع زراعی چندان غنی نبوده و میزان عملکرد محصول و سود خالص حاصل از کشت محصول با در نظر گرفتن صدمات محیط‌زیستی و سلامت و کیفیت غذایی چندان مطلوب نیست.

✓ اجرایی کردن رهیافت کشاورزی چند کارکردی به تفویض قدرت و اختیارات بیشتر به سطوح پایینی در تدوین و اجرای سازوکارهای سیاستی؛ همچنین برنامه‌هایی برای توسعه کارآفرینی و متنوع‌سازی اقتصاد روستایی از سطوح بالایی به سطوح پایین‌تر دولت نیز نیاز دارد. این سازوکارها باید خاص مکان و منطقه جغرافیایی باشد، چرا که به‌دلیل تنوع فضایی منطقه‌ای، برون‌دادهای غیرکالایی حاصل از فعالیت کشاورزی مکان‌محور هستند. یعنی یا به

فهرست منابع

1. Arovuori, K., and Kola, J. 2005. Policies and measures for multifunctional agriculture: experts' insight. *International Food and Agribusiness Management Review*, 8(3), 21-51.
2. Bjørkhauga, H., and Richards, C.A. 2008. Multifunctional agriculture in policy and practice? A comparative analysis of Norway and Australia. *Journal of Rural Studies*, 24(1), 98-111.
3. Burton, R.J.F., and Wilson, G.A. 2006. Injecting social psychology theory into conceptualization of agricultural agency: towards a post-productivist farmer self-identity? *Journal of Rural studies*, 22(1), 95-115.
4. Collier, M.J., and Scot, M. 2010. Focus group discourses in a mined landscape. *Land Use Policy*,

- 27(2), 304-312.
5. Gorman, M., Mannion, J., Kinsella, J., and Bogue, P. 2001. Connecting environmental management and farm household livelihoods: the Rural Environment Protection Scheme in Ireland. *Journal of Environmental Policy and Planning*, 3(2), 137-147.
 6. Krueger, R., and Casey, M.A. 2000. *Focus Groups: A practical guide for applied research* (3rd edition). Thousand Oaks, Calif: Sage.
 7. Losch, B. 2004. Debating the multifunctionality of agriculture: from trade negotiation to development policies by the South. *Journal of Agrarian Change*, 4(3), 336-360.
 8. Marsden, T., and Sonnino, R. 2005. Setting up and management of public policies with multifunctional purpose: connecting agriculture with new markets and services and rural SMEs (UK national report [WP 5], EU Multagri Project). Cardiff: Cardiff University.
 9. Potter, C., and Tilzey, M. 2005. Agricultural policy discourses in the European post-Fordist transition: neoliberalism, neomercantilism and multifunctionality. *Progress in Human Geography*, 29(5), 1-20.
 10. Pretty, J.N. 2005. Agriculture, biodiversity and economic development: can sustainability in the food system make a difference? Paper presented at the Andrew Errington Memorial Lecture, Rural Futures Seminar Series, University of Plymouth, Plymouth, UK, March 2005.
 11. Renting, H., Rossing, W.A.H., Groot, J.C.J., Van der Ploeg, J.D., Laurent, C., Perraud, D., Stobelaar, D.J., and Van Ittersum, M.K. 2009. Exploring multifunctional agriculture. A review of conceptual approaches and prospects for an integrative transitional framework. *Journal of Environmental Management*, 90(2009), 112–123.
 12. Soubbotina, T.P. 2004. *Beyond economic growth: An introduction to sustainable development*. Washington, D.C., The World Bank.
 13. Van Huylenbroek, G. 2003. Preface. In: Van Huylenbroek, G. & G. Durand (eds): *Multifunctional agriculture: a new paradigm for European agriculture and rural development*. Aldershot: Ashgate, pp. xii-vx.
 14. Vandermeulen, V., Verspecht, A., Van Huylenbroek, G., Meert, H., Boulanger, A., and Van Hecke, E. 2006. The importance of the institutional environment on multifunctional farming systems in the peri-urban area of Brussels. *Land Use Policy*, 23(4), 486-501.
 15. Walford, N. 2003. Productivism is allegedly dead, long live productivism: evidence of continued productivist attitudes and decision making in south-east England. *Journal of Rural Studies*, 19, 491-502.
 16. Wilson, G.A. 2007. *Multifunctional agriculture: A transition theory perspective*. Trowbridge: UK, Cromwell Press.

17. Wilson, G.A. 2008. From weak to strong multifunctionality conceptualizing farm-level multifunctional transitional pathways. *Journal of Rural Studies*, 24(3), 367-383.
18. Winter, M., and Morris, C. 2004. Multifunctionality and farming systems: the noncommodity outputs of organic and integrated systems of agriculture. Paper presented at the 2nd meeting of the Anglo-German Rural Geographers 'Rural multifunctionality: perspectives from policy-making, implementation and practice', University of Exeter, Exeter, UK, July 2004.

